مناجات ترسیدگان

علامه مجلسی در بحار فرموده که من این مناحات را یافتم مروی از حضرت علی بن الحسین علیه السلام در کتب بعضی اصحاب رضوان الله علیهم؛ مناجات سوم: مناجات ترسیدگان

إِلَهِي أَ تَرَاكَ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِكَ تُعَذِّبُنِي أَمْ بَعْدَ حُبِّي إِيَّاكَ تُبَعِّدُنِي

خدايا آيا چنين مى‏ نمايى كه پس از ايمانم به تو عذابم نمايى؟ يا پس از عشقم به تو از خود دورم سازى،

أَمْ مَعَ رَجَائِي لِرَحْمَتِكَ وَ صَفْحِكَ تَحْرِمُنِي أَمْ مَعَ اسْتِجْارَتِي بِعَفْوِكَ تُسْلِمُنِي

يا با اميد به رحمت‏ و چشم‏پوشى‏ ات محرومم سازى، يا با پناه جويى‏ ام به گذشتت رهايم نمايى،

حَاشَا لِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تُخَيِّبَنِي لَيْتَ شِعْرِي أَ لِلشَّقَاءِ وَلَدَتْنِي أُمِّي أَمْ لِلْعَنَاءِ رَبَّتْنِي

هرگز چنين نيست! از ذات بزرگوارت به دور است كه محرومم كنى، اى كاش مى‏ دانستم كه آيا مادرم مرا براى بدبختى به دنيا آورده، يا براى رنج كشيدن و زحمت پرورانده است،

فَلَيْتَهْا لَمْ تَلِدْنِي وَ لَمْ تُرَبِّنِي وَ لَيْتَنِي عَلِمْتُ أَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي

اگر چنين است كاش مرا نزاده و نپرورانده بود، و اى كاش آگاه بودم كه آيا مرا از اهل سعادت قرار داده

وَ بِقُرْبِكَ وَ جِوَارِكَ خَصَصْتَنِي فَتَقَرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي وَ تَطْمَئِنَّ لَهُ نَفْسِي

و به قرب و جوارت اختصاص داده‏ اى‏ تا به اين سبب چشمم روشن و جانم آرام گيرد؟

إِلَهِي هَلْ تُسَوِّدُ وُجُوها خَرَّتْ سَاجِدَةً لِعَظَمَتِكَ أَوْ تُخْرِسُ أَلْسِنَةً نَطَقَتْ بِالثَّنَاءِ عَلَى مَجْدِكَ وَ جَلالَتِكَ

خدايا آيا چهره‏ هايى كه در برابر عظمتت سجده ‏كنان به خاك افتاده سياه‏ مى ‏كنى، يا زبانهايى را كه براى بزرگى و شكوهت به ستايش گويا شده ناگويا مى‏ نمايى؟

أَوْ تَطْبَعُ عَلَى قُلُوبٍ انْطَوَتْ عَلَى مَحَبَّتِكَ أَوْ تُصِمُّ أَسْمَاعا تَلَذَّذَتْ بِسَمَاعِ ذِكْرِكَ فِي إِرَادَتِكَ

يا بر دلهايى كه‏ به محبتت پيچيده شده مهر مى ‏زنى، يا گوشهايى را كه از شنيدن ذكرت در راه رضايت لذّت برده ناشنوا مى ‏كنى.

أَوْ تَغُلُّ أَكُفّا رَفَعَتْهَا الْآمَالُ إِلَيْكَ رَجَاءَ رَأْفَتِكَ

يا دستهايى را كه آرزوهاى به اميد مهرورزى ‏ات به سويت بلند كرده و به زنجير مى ‏بندى،

أَوْ تُعَاقِبُ أَبْدَانا عَمِلَتْ بِطَاعَتِكَ حَتَّى نَحِلَتْ فِي مُجَاهَدَتِكَ

يا بدنهايى را كه در طاعتت كوشيده تا جايى كه در راه‏ كوشش در بندگى‏ات لاغر شده مجازات مى‏ كنى،

أَوْ تُعَذِّبُ أَرْجُلا سَعَتْ فِي عِبَادَتِكَ إِلَهِي لا تُغْلِقْ عَلَى مُوَحِّدِيكَ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ

يا پاهايى را كه در راه عبادتت پوييده به عذاب دچار مى‏ نمايى، خدايا درهاى رحمتت را بر يكتاپرستان مبند،

وَ لا تَحْجُبْ مُشْتَاقِيكَ عَنِ النَّظَرِ إِلَى جَمِيلِ رُؤْيَتِكَ إِلَهِي نَفْسٌ أَعْزَزْتَهَا بِتَوْحِيدِكَ كَيْفَ تُذِلُّهَا بِمَهَانَةِ هِجْرَانِكَ

و شيفتگانت را از نگاه به زيبايى ديدارت محروم مساز، خدايا جانى را كه به توحيدت عزّت بخشيدى، چگونه به خوارى هجرانت ذليل مى‏ كنى،

وَ ضَمِيرٌ انْعَقَدَ عَلَى مَوَدَّتِكَ كَيْفَ تُحْرِقُهُ بِحَرَارَةِ نِيرَانِكَ

و باطنى كه بر دوستى ‏ات پيمان‏ بسته، چگونه به سوز آتشت مى ‏سوزانى؟

إِلَهِي أَجِرْنِي مِنْ أَلِيمِ غَضَبِكَ وَ عَظِيمِ سَخَطِكَ

خدايا از دردناكى خشمت و بزرگى ناخشنوديت پناهم ده،

يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَانُ يَا جَبَّارُ يَا قَهَّارُ يَا غَفَّارُ يَا سَتَّارُ

اى پرمهر، اى منتّگذار، اى مهربان، اى بخشاينده، اى جبّار، اى چيره، اى آمرزنده، اى پرده‏ پوش،

نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِ النَّار وَ فَضِيحَةِ الْعَارِ إِذَا امْتَازَ الْأَخْيَارُ مِنَ الْأَشْرَارِ

به مهرت مرا از شكنجه آتش و رسوايى ننگ رهايى بخش، آنگاه كه نيكان از بدان جدا شوند،

وَ حَالَتِ الْأَحْوَالُ وَ هَالَتِ الْأَهْوَالُ وَ قَرُبَ الْمُحْسِنُونَ

و حالتهاى دگرگون گردد و هراسنده‏ ها بهراسند، و نيكوكاران به خوشبختى نزديك شوند،

وَ بَعُدَ الْمُسِيئُونَ وَ وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ

و بدكاران از آن دور گردند، و به هركسى برابر آنچه انجام داده جزاى برازنده داده شود و هرگز به آنان ستم نشود.